



میراحمد رضا مشرف

روزنامه نگار

با گذشت حدود یک‌سال از آغاز جنگ تجاری میان آمریکا و چین و انجام چندین مرحله مذاکرات و رایزنی‌های فشرده، سرانجام این مذاکرات بدون دستیابی به هرگونه توافق یا حتی دستاورد ملموسی به یکباره متوقف و رها شد. این در شرایطی است که در برخی مقاطع زمانی این احساس به وجود آمده بود که مواضع دوطرف به یکدیگر بسیار نزدیک شده است و حصول توافق دور از دسترس نیست. در همین راستا، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در اسفند سال گذشته و در دیدار با فرمانداران و مقامات کاخ سفید توافق نهایی را بسیار نزدیک توصیف کرد. با این حال نه تنها چنین اتفاقی رخ نداده است بلکه به نظر می‌رسد اوضاع نسبت به ماه‌های ابتدایی گفت‌وگوها پیچیده‌تر و ابعاد اختلافات وسیع‌تر یا حداقل وسعت آن آشکارتر شده است. در مورد اینکه چرا مذاکرات به چنین سمت‌وسویی سوق پیدا کرد و در نهایت به بن‌بست رسید، نظرها و دلایل گوناگونی را مطرح می‌کنند. برخی آن را به وسعت حوزه مباحث اختلافی میان دو کشور مرتبط دانسته و برخی دیگر ماهیت و ریشه این جدال را مورد توجه قرار داده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی از این دیدگاه‌های مختلف، می‌توان به چند محور مهمی که در این ناکامی تأثیرگذار بوده‌اند، اشاره کرد، محورهایی که بعضاً در چارچوبی فراتر از یک جنگ تجاری جای می‌گیرند.

منازعات سنتی تجارت و اقتصاد

در نگاه اولیه آنچه ترامپ را به منازعه با چینی‌ها تحریک و ترغیب کرد، موضوع جدیدی نیست. کسری موازنه تجاری آمریکا در برابر چین، از میان رفتن فرصت‌های شغلی و به تعبیری زدی مشاغل و حمایت از تولیدات و صنایع داخلی در برابر کالاهای چینی، موضوعاتی هستند که در ادوار گذشته تاریخی و در برابر کشورهای دیگر نیز مطرح بوده‌اند، نمونه بارز آن کسری بزرگ موازنه تجاری آمریکا در برابر ژاپن طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی بود که در همان هنگام باعث هشدادهای جدی درمورد حمایت از تولیدات داخلی و حفظ مشاغل شد. علاوه بر این، در نمونه‌ای جدیدتر ترامپ با پرداختن به کسری تجاری ۸۰۰ میلیارد دلاری آمریکا در برابر اروپا، آن را حاصل پیمان‌های احمقانه‌ای می‌داند که باعث شدند سال‌ها فرصت‌های شغلی و ثروت آمریکایی‌ها به تاراج برود. دقیقاً چنین شرایطی، احتمالاً با حدت و شدت بیشتر، در رابطه با چینی‌ها نیز صدق می‌کند. بر اساس آخرین آمارهایی که از مبادلات اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است، مجموع تجارت آمریکا در این سال رقمی بالغ بر ۴/۲ تریلیون دلار و تجارت دوطرفه میان آمریکا و چین حدود یک میلیارد دلار در روز بوده که ۱۳ درصد از سهم کل تجارت ایالات متحده با دنیا را دربرمی‌گرفت. در همین بازه زمانی صادرات آمریکا پنج مقصد مهم اولیه داشته که چین با ۱۲۰ میلیارد دلار واردات از آمریکا رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. اما در مقابل، رقم واردات آمریکا از چین بالغ بر ۵۴۰ میلیارد دلار بوده و این نظر چین در جایگاه نخست‌قرار گرفته است. قابل توجه است که این ارقام پس از شروع جنگ تجاری میان دو کشور و در زمان اعمال برخی تعرفه‌ها از سوی آنها ثبت شده که به نفعی از تأثیر کم این کشمکش‌ها و تعرفه‌ها بر روند کلی تجارت دو کشور تا این زمان حکایت دارد. در نمونه مشخص دیگر تنها در ماه اکتبر سال ۲۰۱۸ واردات ایالات متحده از چین ۱۳/۱ درصد افزایش یافته و در برابر آن صادرات آمریکا به این کشور ۱/۸ درصد کاهش نشان می‌دهد. تردیدی وجود ندارد که همین آمارها و ارقام تأثیر بسزایی در عزم جدی کاخ سفید برای پیگیری خواسته‌های خود از چینی‌ها و اعمال تعرفه‌های بیشتر بر کالاهای آنها داشته است، اما در این میان یک نکته مهم را نباید نادیده گرفت که آن هم ورود حوزه تکنولوژی‌های

مقاومت

فرهنگ‌یختگان تنش ایران و آمریکا مهم‌ترین اتفاق در چند هفته گذشته در غرب آسیا بوده است. رژیم صهیونیستی و عربستان که همسو با آمریکا هستند ترجیح دادند در پشت‌پرده به افزایش تنش‌ها دامن بزنند و زمینه‌ساز جنگ شوند و کشورها و گروه‌های همسو با ایران نیز با هشدار به دامنه گسترده هر جنگی، از عواقب ماجراجویی برای آمریکا می‌گفتند. شامگاه جمعه و پس از فروکش کردن تنش‌های دوطرف، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در مراسمی به مناسبت روز جهانی قدس به بررسی دلایل عدم توانایی آمریکا برای درگیری با ایران اشاره کرد. او با اشاره به برگزاری روز قدس در چندین کشور و تبدیل این روز به هفته قدس، به تحولات فلسطین اشاره کرد و گفت: «محور مقاومت در برابر تحرق طرح معامله قرن آمریکا خواهد ایستاد؛ چراکه ما قویا امیدواریم ملت‌های منطقه می‌توانند مانع از تحقق «جنایت معامله قرن» شوند.» دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان گفت که هدف از معامله قرن این است که هرگونه بحث و گفت‌وگو بر سر قدس، نوار غزه و آوارگان فلسطینی در خارج از سرزمین‌های اشغالی برای همیشه مسکوت بماند. او به حرف‌های «کاندولیزا رایس»، وزیر خارجه اسبق آمریکا در مورد «طرح خاورمیانه جدید» اشاره کرد و گفت که هدف از این طرح تثبیت «کشور اسرائیل» بود که شکست خورد. سیدحسن نصرالله به «بهارهای عربی» بعد از ۲۰۱۱ اشاره کرد و گفت که این انقلاب‌ها به دلیل نبود رهبران بزرگ از مسیر خود منحرف شدند و دولت آمریکا خواست با استفاده از این بهارها، میوه فاسدی بچیند که این میوه همان «معامله قرن» است.

جنگ یعنی پایان ریاست جمهوری ترامپ

دبیرکل حزب‌الله لبنان در بخش دیگری از سخنان خود به بالا گرفتن تنش‌های لفظی ایران و آمریکا و تلاش برای درگیری نظامی دوطرف پرداخت. نصرالله علاوه بر

جهان‌شهر

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا کسری تجاری آمریکا را بهانه جنگ تجاری با چین کرده است، شاید نتیجه این جنگ سرد اقتصادی آرایش نظم آینده جهان باشد

نزاع بر سر چین آمریکایی یا آمریکای چینی



و به‌خصوص آمریکایی‌ها خوش نیامده است. رهبران غربی انتظار داشتند که با پیشرفت چین و الحاق آن به اقتصاد و تکنولوژی نوین جهانی، نظام سیاسی و اقتصادی این کشور نیز متحول شده و با کشیده شدن به سوی جامعه غربی، الگویی از نظام‌های حاکم بر این کشورها در چین نیز پیاده شود. اما به قول یکی از سناتورهای آمریکایی چینی‌ها «دیوار امنیتی بزرگ» خودشان را درست کرده و به نحو موفقیت‌آمیزی کشور را بر اساس معیارهای خودشان اداره و کنترل کرده‌اند. این موضوعی است که یکی دیگر از تحلیلگران غربی آن را به شکلی دیگر نیز بیان می‌کند: «خرد جمعی بر این مساله اجماع دارد که مقدر شده ایالات متحده از چین پیشی گیرد چراکه سیستم‌های باز بر سیستم‌های بسته غلبه دارند. اما آنچه در گذشته با قدرت هسته‌ای، میکروچیپ‌ها و اینترنت درست به نظر می‌رسید ممکن است برای هوش مصنوعی کاربرد نداشته باشد.»

ایسن نوع اظهارنظرها را می‌توان نوعی اعتراض به نقش دولت و سیستم سیاسی چین در توسعه این کشور تلقی کرد. دولت چین با مداخله در اقتصاد و تعیین سیاست‌های کلان اقتصادی در عمل راهنمای شرکت‌های چینی و در مواقع ضروری حمایت‌کننده آنها بوده است. اما این کار در سیستم اقتصادی ایالات متحده امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل هم شرکت‌های آمریکایی در زمینه اهداف بلندمدت آسیب‌پذیرتر به نظر می‌رسند: «چین نقشه‌ای صدساله در پیش دارد.... آنها قادرند چنین کاری کنند چون همه چیز در اختیار دولت است، در اینجا نه سهامداران و هیچ کس دیگر حاضر نیست حتی یک‌سال پول از دست بدهد.» در هر صورت شاید حاصل تمامی این بحث‌ها این باشد که با سبقت گرفتن چینی‌ها از آمریکا و جهان غرب، ناکامی آنها تنها به حوزه تجارت و اقتصاد محدود نخواهد شد بلکه ممکن است ارزش‌ها و سنت‌های حاکم بر این جوامع نیز مورد سوال قرار گیرد، کمالینکه چنین احساسی هم اکنون نیز در بین برخی به وجود آمده است: «قبل از اینکه چینی‌ها غربی شوند، این آمریکاست که بیشتر چینی شده است.»

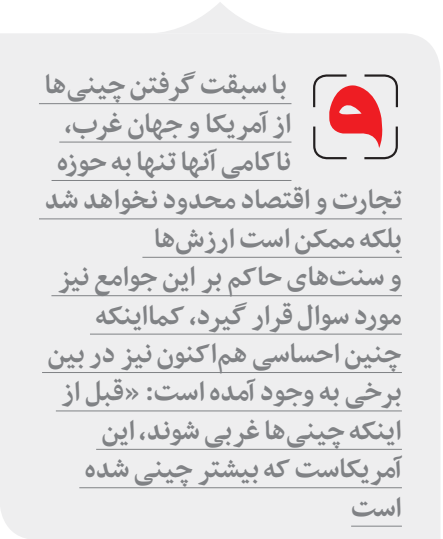
چینی که می‌تواند نه بگوید

سال‌ها پیش و در زمانی که ژاپن در اوج پیشرفت و توسعه اقتصادی بود کتابی به نام «ژاپنی که می‌تواند بگوید نه» منتشر شد که درواقع نوعی به چالش کشیدن قدرت اقتصاد آمریکا محسوب می‌شد. اما آینده روشن کرد که ژاپنی‌ها ظرفیت‌های لازم را برای «نه گفتن» به آمریکا در حوزه‌های مختلف ندارند. اکنون توسعه و پیشرفت چشمگیر چینی‌ها یک‌بار دیگر این بحث را مطرح کرده است آیا چین می‌تواند در جایگاه قدرت سیاسی و اقتصادی قرن بیست ویکم قرار گیرد و به سلطه ایالات متحده در جهان نه بگوید. تحلیل «مارک وارنر»، سناتور و تحلیلگر موسسه بروکینگز در این مورد می‌تواند مفید باشد:

قطارها با حفظ معیارهای حفاظتی ایالات متحده ارائه شده‌اند و سوی شرکت جی‌۵ منافات دارد. اما از همه اینها مهم‌تر جنجال‌ها بر سر فناوری چینی هواوی است که می‌تواند بنیان‌های تکنولوژی هوشمند و اینترنت را در جهان و ایالات متحده متحول سازد و البته کنترل این حوزه را نیز تا حد زیادی از دست آمریکا خارج کند. در هر حال با در نظر گرفتن تمامی این شرایط و دشواری‌هاست که «هنری پولسون»، یکی از مقامات پیشین خزانه‌داری آمریکا در مورد آینده روابط پکن و واشنگتن معتقد است که «یک دیوار آهنی اقتصادی ممکن است برای جدا کردن چین و آمریکا لازم باشد جریان کالا، سرمایه، مردم و تکنولوژی را مسدود کند؛ اقدامی که با گرفتاری‌های بزرگی برای دنیا توام خواهد شد.»

الگوی جدید توسعه اقتصادی

هرقدر تأثیر منازعات سنتی تجارت و اقتصاد و در کنار آن مسائل مربوط به حوزه امنیت در ناکامی دو کشور در دستیابی به یک توافق قابل بررسی و آشکار است، موضوع دیگری نیز وجود دارد که تقریباً به شکلی پنهان در این زمینه اثر گذار بوده است. تردیدی نیست که چینی‌ها در چند دهه اخیر پیشرفت قابل ملاحظه و چشمگیری را تجربه کرده‌اند. آنها توانسته‌اند اوضاع اقتصادی خودشان را بهبود دهند، سطح عمومی زندگی مردم را ارتقا بخشند و در نهایت خود را در میان قدرت‌های بزرگ تجاری و صنعتی دنیا جای دهند. اما این توسعه یافتگی و پیشرفت با یک وجه تمایز آشکار نسبت به سایر همتایان شان به وجود آمده است. آنها در رسیدن به این جایگاه مسیر خاص خود را رفته و الگوی ویژه خود را پیاده کرده‌اند. آنها بدون به کارگیری مدل‌های توسعه یافتگی مدنظر غربی‌ها به چنین جایگاهی رسیده‌اند و گویا این موضوع چندان به مذاق اروپایی‌ها



دبیرکل حزب‌الله لبنان: جنگ با تهران محدود به مرزهای ایران نخواهد بود و همه منطقه درگیر آتش می‌شوند

نصرالله: کارخانه تولید موشک نقطه زن می‌سازیم

اجلاس التماس برای کمک به سعودی

دبیرکل حزب‌الله لبنان در ادامه به چرایی برگزاری سه اجلاس در پنجشنبه و جمعه هفته گذشته در مکه اشاره کرد. او گفت: «دو دلیل برای آن کار وجود دارد؛ نخست اینکه عربستان سعودی دید که هیچ‌راه‌حلی در برابر موشک‌های یمن ندارد. سعودی‌ها دیدند که در برابر دستاوردهای یمنی‌ها شکست نصیب‌شان شده است. از این رو، بیانیه‌های این اجلاس، علیه ایران و [انصارالله] حوثی بود.» وی گفت: «عبارت صحیح برای اجلاس عربی و اسلامی و کشورهای خلیج فارس این است که شما عرب‌ها را به خدا قسم می‌دهم، ما را [از دست یمنی‌ها] خلاص کنید؛ چراکه پهلادهای یمن توانسته‌اند از همه فناوری‌های سعودی عبور کنند و با دقت به اهداف خود برسند و اما کن نفتی سعودی را بزنند و ترامپ هم توانست از آنها حمایت کند.» دبیرکل حزب‌الله لبنان نشست‌های مکه را «اجلاس التماس برای کمک به سعودی» خواند و ادامه داد: «دلیل دوم هم این است که رژیم حاکم در عربستان سعودی یقین دارد که جنگی، بین آمریکا و ایران نخواهد بود و ترامپ برای جنگ نیابتی به منطقه نخواهد آمد.» وی گفت که سعودی‌ها روی ترامپ و تحریک او برای جنگ با ایران حساب باز کرده بودند ولی این گونه نشد و اجلاس‌های سه‌گانه مکه مکرمه فریاد کمک‌خواهی سعودی‌ها از جهان عرب و جهان اسلام بود.

«اگر شما در دوران پس از ماهواره‌ها رشد کرده باشید، دنیا را به‌عنوان جایی می‌شناختید که ابداعات تکنولوژیکی آن یا آمریکایی بود یا غربی.... ما قوانین را نوشتیم و بقیه دنیا هم دنباله‌روی استانداردهای آمریکا بودند. اما اکنون با جنبش دیگری مواجه هستیم؛ حوزه‌هایی مثل GS5 (نسل پنجم اینترنت) هوش مصنوعی، محاسبات کوانتوم، نیمه‌هادی‌ها، ربات‌ها، ماورای صوت و.... وی در ادامه تأکید می‌کند که چینی‌ها در حال سپری کردن همان مراحل هستند که آمریکا طی کرده است: «رئیس‌جمهور چین از همان مدلی بهره می‌گیرد که ایالات متحده از طریق آن در قرن بیستم در جهت سلطه تکنولوژیک پیشگام شد.... در زمینه تکنولوژی جی‌۵، چین دقیقاً همان کاری را انجام داد که ما در مورد توسعه تکنولوژی وایرلس در دهه‌های ۹۰، ۸۰، ۷۰ قرن بیستم انجام دادیم.»

هرچند تکنولوژی می‌تواند نقطه قوت چین برای به‌زیرسوال بردن سلطه آمریکا بر جهان باشد، اما این موضوع صرفاً به تکنولوژی محدود نمی‌شود چنانکه ژنرال کارل ایکنبری، متخصص چین و سفیر سابق آمریکا در افغانستان در مورد تلاش‌های چین در زمینه نظامی و توان ایستادگی آنها در برابر تصمیمات پنتاگون هشدار می‌دهد و اعتقاد دارد که برای مقابله با پکن، واشنگتن نیاز به تدوین یک دکترین جدید دارد. در چنین شرایطی واضح است که این جریان دوسویه یعنی افول تدریجی آمریکا و برنامه‌های پیش‌رونده چین در عرصه‌های مختلف، احتمالاً به‌زودی این توانایی را به آنها خواهد داد که در گفتن «نه» به آمریکایی‌ها تردید نکنند. به همین دلیل است که برخی در کاخ سفید معتقدند که باید به هر شکل ممکن سد راه چینی‌ها شد و ترامپ هم حتی اگر خودش بخواهد، حق ندارد بر سر اقتدار و سلطه آمریکا در جهان با آنها معامله کند.

برنامه‌ریزی برای آینده

رایزنی‌ها و گفت‌وگوها بدون دستیابی به هرگونه توافق رها شده و چشم‌اندازی در مورد پیشرفت مذاکرات هم وجود ندارد. اجرایی شدن اعمال تعرفه‌های جدید تجاری از سوی دو کشور نیز نشان می‌دهد که هیچ یک حاضر به کوتاه آمدن بر سر این موضوع نیستند. همه اینها در مجموع ما را به سوی یک نتیجه‌گیری سوق می‌دهد؛ دوطرف پیش و بیش از آنکه به دنبال راهکاری برای حصول توافق باشند، در جست‌وجوی استراتژی برای مقابله با این شرایط هستند. در این رابطه اقدامات آمریکا مشهودتر بوده است. در بعد داخلی آنها محدودیت‌های عمده‌ای برای همکاری شرکت‌های آمریکایی و چینی تعیین کرده‌اند؛ سختگیری‌های بیشتری در مورد صدور ویزا و همکاری با دانشجویان و محققان چینی انجام گرفته و کمیته سرمایه‌گذاری خارجی CFIUS نظارت بیشتری بر معاملات با شرکت‌های چینی اعمال کرده است. پیشنهادهایی هم در زمینه آگاهی دادن به شرکت‌های طرف قرارداد با چین در مورد تبعات بلندمدت این همکاری‌ها و مراقبت‌های لازم مطرح شده است. در بعد خارجی هم شرکت‌های طرف قرارداد با چین به شدت تحت فشار قرار گرفته‌اند. اما در مورد اینکه آیا این سیاست‌ها تأثیرات و بازدهی لازم را برای واشنگتن به دنبال خواهد داشت، تردیدهای زیادی وجود دارد. پیوستگی‌های ایجادشده میان اقتصاد دو کشور، وابستگی شرکت‌ها در سراسر دنیا به محصولات و مواد اولیه چینی، احتمال پدیدار شدن بحران اقتصادی بزرگ و سراسری در اقتصاد جهانی و فقدان جانشین برای فناوری‌های تکنولوژیک چین مانند سیستم جی‌۵ در کوتاه‌مدت، می‌تواند این تصمیمات را خدشه‌دار سازد.

علاوه بر این برخی تحلیلگران غربی هم هشدار داده‌اند که پیگیری چنین سیاست‌هایی می‌تواند چین را به سوی برنامه‌ریزی برای خودکفایی بیشتر سوق دهد. برخی هم اصولاً با این نحوه عملکرد کاخ سفید مخالفند و آن را رننگ خطری برای خود آمریکا می‌دانند: «نفوذ آمریکا در اقتصاد دیجیتال به اوج‌ها می‌دهد که خواسته و اراده‌اش را تحمیل کند اما به وسیله رها کردن قهرش به این شکل نشانیه، در واقع به سلطه خودش پایان خواهد داد.»



پاسخ هر ضربه با ۲ ضربه

نصرالله در بخش دیگری از سخنان خود به قدرت دفاعی حزب‌الله اشاره کرد و گفت: «رژیم صهیونیستی سال‌ها از حل این مساله که همان موشک‌های نقطه‌زن و تولید آن است، عاجز مانده است.» او گفت که رژیم صهیونیستی از طریق سفیران برخی کشورها پیامی با این مضمون به حزب‌الله فرستاده است که اگر مکان موشک‌های نقطه‌زن این حزب را کشف کنیم، فورا هدف قرار خواهیم داد. نصرالله هشدار داد که مقاومت آماده است پاسخ هر تجاوزی را بدهد بلکه هر ضربه را با دو ضربه پاسخ بدهد. سیدحسن نصرالله گفت: «ما موشک‌های نقطه‌زن کافی داریم که می‌تواند چهره منطقه را تغییر دهد.» او با بیان اینکه حزب‌الله کارخانه ساخت موشک‌های نقطه‌زن ندارد، به تلاش آمریکا برای گفت‌وگو بر سر موشک‌های مقاومت در حاشیه گفت‌وگوها بر سر ترسیم مرزها اشاره کرد و گفت: «ما حق داریم هر سلاخی را که بخواهیم، به دست بیاوریم و آن را تولید کنیم، آمریکا حق ندارد در این مساله با ما وارد مذاکره شود. ما نیروی انسانی لازم و کامل برای ساخت و تولید سلاح را داریم و به‌زودی کارخانه‌های تولید موشک‌های نقطه‌زن را در لبنان خواهیم ساخت.»